

دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

فرشیده ضامنی^۱، ترانه عنایتی^۲، رضا بهنام فر^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری بود. روش پژوهش توصیفی از نوع زمینه یابی بود. جامعه آماری کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به تعداد ۱۶۲ نفر بودند. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی مورگان، به تعداد ۱۱۳ نفر تعیین و به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته بسته پاسخ جمع آوری و اطلاعات با استفاده از آزمون t تک نمونه ای تحلیل شد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷۵ به دست آمد. نتایج نشان داد که موانع برون سازمانی و درون سازمانی بر ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری مؤثر هستند ولی موانع فردی تأثیری ندارند. از این میان، عدم اعطای فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، فقدان فرهنگ پژوهشی در جامعه، فقدان نگرش پژوهشی در جامعه و آموزش محور بودن سیستم آموزش عالی کشور به عنوان مهم‌ترین موانع پژوهشی مؤثر در ترجیح تدریس بر پژوهش از نگاه اعضای هیأت علمی واحد مزبور برشمرده شدند.

کلید واژه‌ها: تدریس، پژوهش، عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی

۱- دکترای مدیریت آموزشی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۲- دکترای مدیریت آموزشی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

مقدمه

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مانند هر نظام اجتماعی دیگر و بر اساس سطح پیشرفت و نیازهای جامعه، می‌توانند کارکردهای متفاوتی داشته باشند. سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) سه کارکرد اصلی دانشگاه‌ها را «تولید دانش» (پژوهش)، «انتقال دانش» (آموزش) و «اشاعه و نشر دانش» (ارائه خدمات) می‌داند (اجتهادی، ۱۳۷۷، به نقل از معروفی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

تدریس و آموزش دانشجویان از عمده‌ترین وظایف استاد محسوب می‌گردد (ظهور و اسلامی نژاد، ۱۳۸۱، ص ۵). تدریس مجموعه مهارت‌هایی را شامل می‌شود که قبل، ضمن و پس از اجرای فرایند تدریس صورت می‌گیرد و امکان آموزش دانشجو را فراهم می‌کند. به دانشجو کمک می‌کند تا بر اساس شرایط فراهم شده، سبک یادگیری خود و اهداف مورد نظر، به یادگیری نائل گردد (کوین^۱، ۲۰۰۰، ص ۱۱۳).

اصل در فرآیند تدریس، فراهم کردن محیط برای تعامل فراگیران و بررسی نحوه یادگیری است. هدف از تدریس در یک عبارت ساده، ممکن ساختن یادگیری دانشجویان (شعبانی و حسین قلی زاده، ۱۳۸۵، ص ۵). تدریس و یادگیری دو روی یک سکه هستند. مهم‌ترین ملاک پذیرفته شده برای سنجش یک تدریس خوب، میزان یادگیری دانشجویان است (سجاد^۲، بی تا، ص ۱) و از طرفی معلمان نیاز دارند تا برای حرکت از حالت رکود و رسیدن به یک شرایط خلاق، با پژوهش درگیر شوند (گارنی^۳، ۱۹۸۹، ص ۱۵). امروزه بر همگان روشن است که پژوهش بنیان تمام علوم است. بدون شک علم برای آنکه بتواند پویایی خود را حفظ کند، باید پیوسته گستره خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دهد و نیز درصدد حل مسایل و معضلات برآید. بدین ترتیب برای نیل به این دو مهم، پژوهش قطعاً نقش کلیدی خواهد داشت (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). پژوهش، فعالیتی نظام دار و علمی پیرامون یک موضوع همراه با بررسی جوانب مختلف آن است (خنیفر، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). پژوهش فرآیندی است که از طریق آن می‌توان درباره ناشناخته به جستجو پرداخت و نسبت به آن، شناخت لازم را کسب کرد (مقیم، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

¹Quinn

²Sajjad

³Gurney

شناخته شده‌ترین موسسات در امر پژوهش، دانشگاه‌ها هستند که جزیی از نظام و سازمان پژوهشی کشور به حساب می‌آیند (حاجی ترخانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). در سال‌های اخیر، تحریک اساتید برای درگیر شدن بیشتر با فعالیت‌های پژوهشی به عنوان یک بخش برجسته از سیاست‌های آموزشی در جوامع مختلف، افزایش یافته است (شاوولسون و تون^۱، ۲۰۰۲). دانشگاه‌ها نیاز دارند تا توسعه رابطه بین پژوهش و تدریس را به عنوان یک هدف و ماموریت قرار دهند (جنکینز^۲، ۲۰۰۰، ص ۳۲۵). یک دلیل این مسأله این است که درگیر شدن اساتید با پژوهش سبب خواهد شد تصمیمات آموزشی بر اساس شواهد پژوهشی گرفته شود که تأثیرات سودمندی بر تدریس و یادگیری خواهد داشت (هارگریوز^۳، ۱۹۹۹). براون معتقد است که جدایی تدریس و پژوهش که در سایه ارزیابی کیفیت تدریس و ارزیابی پژوهش رسمی شده است، زیان بار می‌باشد زیرا باعث فراموشی سرشت رابطه بین پژوهش و تدریس می‌شود (براون^۴، ۲۰۰۲، ص ۳۰). براون در ارتباط با رابطه بین تدریس و پژوهش می‌گوید: «رابطه بین پژوهش و تدریس یک مسأله جدی است. ما باید در مورد آن جدی باشیم» (براون، ۲۰۰۲، ص ۳۰). متأسفانه یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین ضعف‌های نظام پژوهشی کشور در این واقعیت رخ می‌نماید که آموزش عالی صرفاً به نقش آموزشی خود بسنده کرده است (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵، ص ۵۷). در حال حاضر به دلایل مختلف، اغلب اعضای هیأت علمی گرایش بیشتری نسبت به آموزش پیدا کرده و فعالیت‌های آموزشی را بر پژوهش ترجیح می‌دهند (قنبری و تنکابنی، ۱۳۸۳، به نقل از دادخواه و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲). بررسی‌های کیفی نشان داده که اکثر پروژه‌های تحقیقاتی انجام شده در کشور با کیفیت پایین، قائم به فرد و بدون استمرار انجام می‌گیرد (معین، ۱۳۷۸، به نقل از دادخواه و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲). از ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی و عدم اختصاص زمان کافی برای امر پژوهش می‌توان به عنوان یکی از علل اصلی پایین بودن کیفیت پروژه‌های پژوهشی نام برد.

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که بدون توسعه تحقیق و پژوهش یا به عبارتی توسعه علمی، توسعه ملی حاصل خواهد شد (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵، ص ۹۷). بدون شک توسعه و پیشرفت

¹Shavelson & Town

²Jenkins

³Hargreaves

⁴Brown

صنعتی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه مرهون پژوهش و تحقیق مستمر در همه زمینه‌های باشد (علایی و اعظمی، ۱۳۸۳، ص ۴۰). به هر صورت، بارزترین شاخص توسعه یافتگی یک کشور، توان علمی و فنی آن است (نجفی پور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸). لذا پرداختن به جوانب مختلف مسأله پژوهش و به طور خاص شناسایی دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و فراهم آوردن شرایط پژوهش سبب افزایش کارایی پژوهشی اعضای هیأت علمی نسبت به گذشته و تولید علم در زمینه‌های مختلف خواهد شد و کاربرد نتایج این پژوهش‌ها منجر به توسعه روزافزون کشور خواهد گردید.

برای بررسی دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی، می‌توان به بررسی موانع موجود در امر پژوهش پرداخت. شناخت موانع پژوهش می‌تواند با بهبود ارتباط بین محققان و استفاده کنندگان از نتایج پژوهش، فرایند حل مسأله را سهولت بخشیده و عملاً موجب استفاده از یافته‌های پژوهش شود (علمداری و افشون، ۱۳۸۲، ص ۲۸). نتایج پژوهش‌هایی همچون پژوهش سرشتی و همکاران (۱۳۸۸، ص ۵۱) و پژوهش علمداری و افشون (۱۳۸۲، ص ۳۰) نشان می‌دهد که بی‌علاقگی به امر پژوهش کم‌اثرترین مانع در راه انجام پژوهش و ترجیح تدریس بر پژوهش می‌باشد. بنابراین با وجود ابراز علاقه اعضای هیأت علمی به امر پژوهش (بورگ^۱، ۲۰۰۹، ص ۳۷۳) باید بررسی نمود که چرا در عمل اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس را بر پژوهش ترجیح می‌دهند. به همین دلیل هدف این پژوهش بررسی دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری بود.

در این پژوهش پس از بررسی پیشینه پژوهش، مهم‌ترین موانع پژوهشی در سه گروه اصلی موانع فردی، موانع درون سازمانی و موانع برون سازمانی قرار گرفتند که چگونگی این تقسیم بندی در جداول شماره ۱ تا ۳ نشان داده شده است.

جدول ۱. موانع فردی پژوهش و پیشینه بررسی موانع

موانع پژوهش	پیشینه پژوهش
۱ ضعف در شناخت عرصه‌های قابل پژوهش توسط اساتید	(سرشتی و همکاران، ۱۳۸۹) (علمداری و افشون، ۱۳۸۳) (بورگ، ۲۰۰۶)
۲ ضعف در تدوین پروپوزال مناسب برای یک طرح پژوهشی که در برگزیده تمام موارد لازم برای معرفی کامل آن طرح پژوهشی باشد	(ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۳ ضعف در تدوین پرسش‌نامه‌های محقق ساخته در مواردی که ابزار پژوهش پرسش‌نامه می‌باشد و در آن زمینه نیز امکان دسترسی به پرسش‌نامه‌های استاندارد وجود ندارد.	پیشینه ای یافت نشد
۴ ضعف در اجرای اصولی ابزار پژوهش در زمینه‌های مختلف علمی توسط اعضای هیأت علمی	(ظهور و فکری، ۱۳۸۳)
۵ ضعف در نوشتن مقاله ای با رعایت تمام اصول و قواعد مقاله نویسی	(سرشتی و همکاران، ۱۳۸۹) (عنبری و همکاران، ۱۳۸۴) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۶ کافی نبودن حق الزحمه پژوهش نسبت به فعالیت صورت گرفته	(عنبری و همکاران، ۱۳۸۴) (ظهوری و فکری، ۱۳۸۲) (علمداری و افشون، ۱۳۸۲) (هائینس، ۱۹۹۸) (هاسنین، ۱۹۹۸)
۷ سهل الوصول تر بودن درآمد حاصل از تدریس نسبت به درآمد حاصل از پژوهش	(صمدزاده، ۱۳۷۹)
۸ در نظر گرفتن تدریس به عنوان فعالیت اصلی عضو هیأت علمی	(دادخواه و همکاران، ۱۳۸۷) (بورگ، ۲۰۰۶)
۹ ساده انگاشتن فعالیت تدریس و تمایل برای انجام فعالیت ساده تر	(صمدزاده، ۱۳۷۹)

نه مانعی که در این پژوهش در زمره موانع فردی قرار داشتند، در سه زیر گروه طبقه بندی شدند. به این ترتیب که موانع شماره ۱ تا ۵ در زیر گروه «موانع ناشی از دانش ناکافی در مورد متدولوژی پژوهش و مهارت ناکافی برای انجام پژوهش»، موانع شماره ۶ و ۷ در زیر گروه «موانع مالی قابل بررسی در حوزه فردی» و موانع شماره ۸ و ۹ در زیر گروه «موانع ناشی از نگرش اساتید هیأت علمی نسبت به تدریس و پژوهش» قرار گرفتند.

جدول ۲. موانع درون سازمانی پژوهش و پیشینه بررسی موانع

موانع پژوهش	پیشینه پژوهش
۱ نبود سیستم مشاوره مناسب در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که بتواند مشاوره مناسبی در کلیه مراحل یک فعالیت پژوهشی، به اعضای هیأت علمی ارائه دهد.	(سرسشتی و همکاران، ۱۳۸۹) (دارابی و همکاران، ۱۳۸۸) (علمداری و افشون، ۱۳۸۲) (ظهوری و فکری، ۱۳۸۲) (بورگ، ۲۰۰۹)
۲ عدم دسترسی مطلوب اساتید به اینترنت در محیط دانشگاه	(علمداری و افشون، ۱۳۸۲) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۳ عدم دسترسی مطلوب به کتب و مجلات روزآمد در دانشگاه	(دارابی و همکاران، ۱۳۸۸) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲) (علمداری و افشون، ۱۳۸۲) (بورگ، ۲۰۰۹)
۴ نبود بانک‌های اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف مرتبط با پژوهش	(دارابی و همکاران، ۱۳۸۸)
۵ عدم اعطای فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور به اعضای هیأت علمی دانشگاه	(شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۶) (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵)
۶ عدم ارائه تسهیلات مناسب جهت شرکت در کنگره‌های خارج از کشور	(دارابی، ۱۳۸۸) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۷ عدم پرداخت به موقع و کامل هزینه‌های انجام شده در یک طرح پژوهشی	(دارابی و همکاران، ۱۳۸۸)
۸ ضابطه مند نبودن پروسه بررسی طرح‌های پژوهشی	(سرسشتی و همکاران، ۱۳۸۹) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۹ طولانی بودن پروسه بررسی و تصویب طرح‌های پژوهشی	(عنبری و همکاران، ۱۳۸۴) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲) (وندیگ، ۲۰۱۰) (هاینس، ۱۹۹۸)

نه مانعی که در این پژوهش در زمره موانع درون سازمانی قرار داشتند در سه زیرگروه طبقه بندی شدند. به این ترتیب که موانع شماره ۱ تا ۵ در زمره «موانع ناشی از عدم تامین امکانات و شرایط مورد نیاز برای انجام پژوهش توسط دانشگاه»، موانع شماره ۶ و ۷ در زمره «موانع مالی قابل بررسی در حوزه درون سازمانی» و موانع شماره ۸ و ۹ در زمره «موانع نشأت گرفته از روند بررسی طرح‌های پژوهشی در دانشگاه» قرار گرفتند.

جدول ۳. موانع برون سازمانی پژوهش و پیشینه بررسی موانع

موانع پژوهش	پیشینه پژوهش
۱ عدم کاربست نتایج پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری‌های مدیران اجرایی	(سرشتی و همکاران، ۱۳۸۹) (دادخواه و همکاران، ۱۳۸۷) (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵) (عنبری و همکاران، ۱۳۸۴) (علمداری و افشون، ۱۳۸۲) (ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۲ عدم همکاری کافی مراکز اطلاعاتی و سازمان‌های ذیربط با پژوهشگران	(علمداری و افشون، ۱۳۸۲)
۳ اطلاع‌رسانی نامطلوب سازمان‌ها در ارتباط با عناوین پژوهشی مورد نیازشان	(ظهور و فکری، ۱۳۸۲)
۴ عدم حمایت بخش خصوصی از طرح‌های پژوهشی	پیشینه ای یافت نشد
۵ آموزش محور بودن سیستم آموزش عالی کشور	(دارابی و همکاران، ۱۳۸۸)
۶ فقدان نگرش پژوهشی در جامعه	پیشینه ای یافت نشد
۷ فقدان فرهنگ پژوهشی در جامعه	(دادخواه و همکاران، ۱۳۸۷) (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵) (وندیگ، ۲۰۱۰)
۸ نامناسب بودن سرانه پژوهش در کشور	(دادخواه، ۱۳۸۷)

پس از مطالعه پیشینه پژوهش در داخل و خارج از کشور، تنها یک پژوهش با عنوانی منطبق با پژوهش حاضر که به بررسی دلایل ترجیح و اولویت دهی تدریس نسبت به پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه پرداخته باشد، مشاهده شد. این پژوهش در غالب پایان نامه منتشر نشده صمدزاده (۱۳۷۹) تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در تقدم آموزش بر پژوهش در دانشگاه‌ها، از نظر اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۹_۸۰» صورت پذیرفته است که پژوهشگر در این پایان نامه پنج عامل شامل کم توانی عملی اعضای هیأت علمی در انجام پژوهش، کسب درآمد بیشتر از طریق آموزش در مقایسه با پژوهش، ارج نهادن مسئولین به پژوهش و یافته‌های آن، آسان تلقی کردن آموزش در مقایسه با پژوهش و کم آشنایی اعضای هیأت علمی با روش‌های علمی انجام پژوهش را مورد پرسش قرار داده بود. سایر مطالعاتی که در حوزه پژوهش صورت پذیرفته و به پژوهش حاضر نزدیک هستند، به بررسی موانع پژوهش پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش سرشتی و همکارانش در سال ۱۳۸۹ تحت عنوان "موانع انجام تحقیقات از دیدگاه اساتید و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد" اشاره کرد. پژوهشگران در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین موانع پژوهش به ترتیب عدم ایجاد انگیزه در پژوهشگران، کمبود وقت و مشغله زیاد، مقررات دست و پا گیر

اداری، عدم استفاده از نتایج تحقیقات و ناتوانی ترجمه مقالات فارسی به زبان‌های دیگر بود. دارابی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کردند که مقررات اداری، کمبود بودجه تحقیقاتی، حجم کار زیاد، عدم وجود انگیزه و مهارت‌های فردی از جمله عواملی بودند که مانع انجام فعالیت‌های پژوهشی توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم می‌شدند. دادخواه و همکاران (۱۳۸۷) چنین بیان داشتند که عوامل متعددی نظیر موانع شخصی، درون سازمانی، برون سازمانی، عوامل ماهیتی و نگرش به تحقیق در دیدگاه اعضای هیأت علمی از موانع پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های اردبیل بوده‌اند. بر اساس پژوهش شریف زاده و همکاران (۱۳۸۶) تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر کارکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی» ضرایب همبستگی پیرسون، رابطه مثبت و معنی‌داری بین برخی متغیرهای فردی و حرفه‌ای اعضای هیأت علمی و کارکرد پژوهشی آنها نشان دادند. تصدیقی و تصدیقی (۱۳۸۵) در پژوهش خود فقدان فرهنگ پژوهشی، فقدان انگیزه‌های مادی و معنوی، عدم ارتباط بین محققان، تمرکزگرایی پژوهش‌ها در سازمان‌های دولتی، موانع اداری و مالی، موظف نبودن استادان به امر پژوهش و عدم کاربست تحقیقات را به عنوان مهم‌ترین عواملی که سبب شده‌اند نظام آموزشی عالی به عنوان متولی پژوهش، صرفاً به نقش آموزشی خود بسنده کند، انتخاب و بررسی نمودند. علمداری و افشون در پژوهش خود در سال ۱۳۸۲، کمبود وقت و مشغله زیاد، کمبود امکانات و تجهیزات را به ترتیب به عنوان بیشترین موانع پژوهشی شخصی و سازمانی معرفی نمودند. نتایج پژوهش وندیگ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و اجتماعی، کمبود امکانات مالی و موانع اجرایی و اداری مهم‌ترین توسعه پژوهش در مؤسسات آموزشی می‌داند. بورگ (۲۰۰۹) مهم‌ترین مانع انجام پژوهش توسط اساتید را نداشتن وقت و پس از آن نداشتن دانش کافی درباره روش پژوهش عنوان نمود. آزمودنی‌های پژوهش بورگ (۲۰۰۶) مهم‌ترین موانع پژوهش را چنین بر شمرده‌اند: ضعف در تشخیص عرصه‌های قابل پژوهش، در نظر گرفتن تدریس به عنوان فعالیت اصلی در مقایسه با پژوهش، فقدان دانش و مهارت و عدم دسترسی به منابع مورد نیاز هاینس (۱۹۹۸)، کمبود امکانات و تجهیزات، مقررات اداری، نبود بودجه مناسب، فقدان مهارت‌های پژوهشی و انگیزه، مشغله کاری زیاد، پایین بودن حق الزحمه پژوهش را از

مهم‌ترین موانع پژوهش قلمداد می‌کند. پژوهش‌ها سنین^۱ (۱۹۹۸) تحت عنوان «موانع پژوهش در بخش بهداشت» به بررسی نظرات اساتید هیأت علمی ۱۶ دانشکده بهداشت پرداخت و نتایج آن پژوهش نشان داد که کمبود وقت، کمبود پرسنل برای پژوهش، حق الزحمه پایین فعالیت‌های پژوهشی و کمبود امکانات مهم‌ترین موانع انجام پژوهش از نظر اساتید این دانشکده‌ها بوده است. در پژوهش حاضر با هدف بررسی دلایل ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری، عوامل بازدارنده پژوهش در سه گروه اصلی موانع فردی، موانع درون سازمانی و موانع برون سازمانی طبقه بندی گردیده و ۳ سوال پژوهشی زیر جهت بررسی مطرح شدند:

۱. آیا موانع فردی در ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟
۲. آیا موانع درون سازمانی در ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟
۳. آیا موانع برون سازمانی در ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی زمینه‌یابی است. جامعه آماری این پژوهش، اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به تعداد ۱۶۲ نفر بود. از این میان ۱۱۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بر اساس جدول تعیین حجم نمونه کرجسی - مورگان انتخاب شدند.

جدول ۴. ویژگی‌های دموگرافیک نمونه مورد مطالعه

جنسیت	مدرک تحصیلی		رتبه دانشگاهی	
	زن	کارشناسی ارشد	دکترا	مربی
تعداد	۷۷	۳۶	۸۲	۲۴
درصد	۶۸.۱	۳۱.۹	۷۲.۶	۲۱.۲

در این پژوهش از پرسش‌نامه محقق ساخته ۲۶ سوالی بسته پاسخ در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (۱: کاملاً مخالفم، ۲: مخالفم، ۳: نظری ندارم، ۴: موافقم، ۵: کاملاً موافقم) برای مطالعه ۳ موانع اصلی مورد نظر استفاده شد. برای موانع فردی و موانع درون سازمانی هر کدام ۹ گویه (۱ تا ۹) و (۱۰ تا ۱۸)

^۱-Hassanein

و برای موانع برون سازمانی ۸ گویه (۱۹ تا ۲۶) در نظر گرفته شد. گویه‌های گروه‌های اصلی موانع فردی و درون سازمانی هر کدام در ۳ زیر گروه طبقه بندی شدند. با توجه به نحوه طراحی پرسش نامه، شیوه نمره دهی موانع فردی به جز دو گویه بررسی کننده سهل الوصول بودن درآمد تدریس و ساده انگاشتن تدریس که به شیوه معکوس صورت پذیرفته، به گونه‌ای است که انتخاب گزینه‌های کاملاً مخالف و مخالف نشان‌دهنده وجود مانع می‌باشد. شیوه نمره دهی موانع درون سازمانی به گونه‌ای می‌باشد که انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق نشان دهنده مانع می‌باشد. در مورد گویه‌های مربوط به موانع برون سازمانی، شیوه نمره دهی به جز سه گویه بررسی کننده محوریت آموزش عالی و فقدان نگرش و فرهنگ پژوهش کهنه شیوه معکوس صورت پذیرفته، به گونه‌ای است که انتخاب گزینه‌های کاملاً مخالف و مخالف نشان دهنده وجود مانع می‌باشد. میانگین نظری برای تصمیم‌گیری هر سوال ۳ نمره یا حد وسط می‌باشد و در نتیجه میانگین نظری یا نقطه برش برای موانع فردی و درون سازمانی ۲۷ و برای موانع برون سازمانی ۲۴ می‌باشد. بدین ترتیب با توجه به شیوه نمره دهی و میانگین نظری هر گروه اصلی، در قسمت موانع فردی و برون سازمانی هر چه میانگین به دست آمده کوچکتر از میانگین نظری باشد، نشان دهنده پاسخ مثبت به سوال پژوهش می‌باشد در مقابل با توجه به توضیحات ارائه شده، در مورد موانع درون سازمانی هر چه میانگین به دست آمده بزرگتر از میانگین نظری باشد نشان دهنده پاسخ مثبت به سوال پژوهش می‌باشد. همچنین به هنگام بررسی یافته‌های آمار توصیفی، باید در نظر داشت که میانگین نظری هر گویه ۳ بوده و با توجه به شیوه نمره دهی به گویه‌ها، در قسمت موانع فردی در صورتی که میانگین هر گویه به جز گویه‌های ۷ و ۹، زیر ۳ باشد، آن گویه به عنوان مانع قلمداد می‌شود. در مورد موانع درون سازمانی پژوهش، میانگین بالای ۳ برای هر گویه نشان دهنده مانع بودن آن می‌باشد و در مورد موانع برون سازمانی به جز گویه‌های ۵، ۶ و ۷ در صورتی که میانگین به دست آمده برای هر گویه زیر ۳ باشد آن گویه مانع قلمداد می‌شود.

روایی محتوایی این پرسش‌نامه که بر اساس ادبیات پژوهش تدوین شده بود با نظرخواهی از اساتید خبره مورد تایید واقع شد. جهت تعیین پایایی، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی روی ۳۰ نمونه اجرا گردید و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه معادل ۰.۷۵ به دست آمد. پایایی نهایی این پرسش‌نامه ۰.۷۴ محاسبه گردید.

جهت تأیید ادعای مطرح شده در این پژوهش مبنی بر ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، اطلاعات مربوط به سوابق پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاه از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان نیمه اول سال ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که مهم‌ترین شاخص بهره‌وری پژوهشی، تعداد انتشارات پژوهشگران است که معمولاً به عنوان معیارهای ارتقا و تشویق، کیفیت موسسه پژوهشی و جذب اعتبارات پژوهشی محسوب می‌شود (علی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶) و با توجه به شیوه امتیازدهی به فعالیت‌های پژوهشی بر اساس آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی، مقالات منتشر شده در مجلات ISI و مجلات علمی پژوهشی ملاک بررسی فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفتند. ملاک‌های انتخاب شده نشان‌دهنده کیفیت بالاتری از فعالیت‌های پژوهشی بوده و برای کلیه اعضای هیأت علمی در دسترس می‌باشند.

یافته‌ها

بخشی از تجزیه و تحلیل داده‌ها مربوط به آمار توصیفی می‌باشد. جداول شماره ۲، ۳ و ۴ نشانگر یافته‌های آمار توصیفی در ارتباط با سوال‌های سه‌گانه پژوهش می‌باشند.

جدول ۵. جدول میانگین و انحراف معیار موانع فردی

میانگین	انحراف معیار	گویه‌های مورد بررسی
۳۸۹	۰.۸۹	۱ اعضای هیأت علمی توانایی لازم جهت شناخت عرصه‌های قابل پژوهش را دارند.
۳۸۸	۰.۸۹	۲ اعضای هیأت علمی توانایی تدوین مناسب پروپوزال طرح پژوهشی خود را دارند.
۳۵۵	۰.۹۵	۳ اعضای هیأت علمی توانایی تدوین پرسش‌نامه محقق ساخته مناسب را دارند.
۳۵۵	۰.۹۵	۴ اعضای هیأت علمی توانایی اجرای اصولی ابزار پژوهش را دارند.
۳۳۵	۰.۹۷	۵ اعضای هیأت علمی توانایی نوشتن مقاله‌ای با رعایت تمام اصول و قواعد مقاله‌نویسی را دارند.
۳۰۶	۱.۰۹	۶ حق الزحمه فعالیت‌های پژوهشی نسبت به فعالیت و تلاش صورت گرفته، کافی است.
۳۳۹	۱.۲۰	۷ درآمد حاصل از تدریس سهل الوصول تر از پژوهش است.
۳۶۸	۱.۲۵	۸ وظیفه اصلی اعضای هیأت علمی دانشگاه در ابتدا پژوهش (تولید علم) و پس از آن تدریس است.
۳۴۳	۱.۳۰	۹ تدریس در مقایسه با پژوهش، فعالیت ساده‌تری است.

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۵، ساده‌انگاشتن تدریس در مقایسه با پژوهش و سهل الوصول تر بودن درآمد ناشی از تدریس در مقایسه با پژوهش تنها موانع فردی امر پژوهش و

عوامل مؤثر در ترجیح تدریس بر پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری قلمداد می‌شوند.

جدول ۶. جدول میانگین و انحراف معیار موانع درون سازمانی

موانع	گویه‌های مورد بررسی	میانگین	انحراف معیار
۱	در حال حاضر سیستم مشاوره مناسبی در دانشگاه در مراحل مختلف اجرای یک طرح پژوهشی (از مرحله انتخاب موضوع تا نوشتن مقاله) وجود ندارد.	۳.۶۷	۱.۰۴
۲	در حال حاضر دسترسی به اینترنت در دانشگاه مطلوب نیست.	۲.۹۷	۱.۲۹
۳	در حال حاضر شرایط دسترسی به کتب و مجلات روزآمد در دانشگاه مطلوب نیست.	۳.۳۷	۱.۲۴
۴	در حال حاضر دانشگاه دارای بانک‌های اطلاعاتی مفید در زمینه‌های مختلف مرتبط با مسائل پژوهشی نمی‌باشد.	۳.۵۷	۱.۰۸
۵	فقدان فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، کیفیت پژوهش‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.	۴.۱۷	۰.۸۲
۶	در حال حاضر تسهیلات مناسب، جهت شرکت در کنگره‌های خارج از کشور اعطا نمی‌گردد.	۳.۳۵	۱.۱۲
۷	هزینه‌های انجام شده در یک پروژه پژوهشی به موقع و کامل پرداخت نمی‌گردد.	۳.۰۶	۱.۰۳
۸	در حال حاضر پروسه بررسی طرح‌های پژوهشی ضابطه مند نیست.	۳.۰۸	۱.۰۴
۹	در حال حاضر پروسه بررسی و تصویب طرح‌های پژوهشی طولانی می‌باشد.	۳.۶۱	۰.۹۹

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۶، از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تمامی موارد ذکر شده در گروه موانع درون سازمانی به جز عدم دسترسی مطلوب به اینترنت در دانشگاه، در ترجیح تدریس بر پژوهش مؤثرند. در این بین، عدم اعطای فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، نبود سیستم مشاوره مناسب در طول انجام پژوهش و طولانی بودن پروسه بررسی و تصویب طرح‌های پژوهشی به ترتیب بیشترین مهم‌ترین موانع درون سازمانی از دیدگاه اعضای هیأت علمی محسوب می‌شوند.

جدول ۷. جدول میانگین و انحراف معیار موانع برون سازمانی

موانع	گروه‌های مورد بررسی	میانگین	انحراف معیار
۱	نتایج پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری‌های مدیران اجرایی موثر است.	۲.۸۳	۱.۰۷
۲	در حال حاضر مراکز اطلاعاتی و سازمان‌های ذی‌ربط همکاری کافی را با پژوهشگران انجام می‌دهند.	۲.۶۲	۰.۹۰
۳	اطلاع‌رسانی سازمان‌ها در ارتباط با عناوین پژوهشی مورد نیازشان، مناسب است.	۲.۵۴	۰.۹۳
۴	در حال حاضر بخش خصوصی، حمایت مناسبی از پژوهش دارد.	۲.۲۴	۰.۸۷
۵	سیستم آموزش عالی کشور، آموزش محور است.	۴.۰۳	۰.۸۵
۶	در حال حاضر ما با فقدان نگرش پژوهشی در جامعه رو به رو هستیم.	۴.۱۳	۰.۸۴
۷	در حال حاضر ما با فقر فرهنگ پژوهشی در جامعه رو به رو هستیم.	۴.۱۶	۰.۸۷
۸	در حال حاضر، سرانه پژوهش در کشور در وضعیت مناسبی است.	۲.۴۸	۱.۰۴

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۷، از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تمامی موارد ذکر شده در گروه موانع برون سازمانی، در ترجیح تدریس بر پژوهش مؤثرند. در این بین فقدان فرهنگ و نگرش پژوهشی در جامعه و آموزش محور بودن نظام آموزش عالی کشور مهم‌ترین موانع امر پژوهش از نظر اعضای هیأت علمی می‌باشند. نتایج تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها در ارتباط با سوال‌های سه گانه پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

سوال اول پژوهش: آیا موانع فردی بر ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟

جدول ۸. خلاصه تحلیل آماری سوال پژوهشی اول

t	درجه آزادی	سطح معنیداری (دو طرفه)	میانگین	انحراف استاندارد
۷.۳۰۹	۱۱۲	۰.۰۰۰	۳۰.۱۳۲۷	۴.۵۵۶۲۱

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۸، چون محاسبه شده (۷.۳۰۹) در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد با توجه به درجه آزادی ۱۱۲ از بحرانی جدول (۱.۹۶) بزرگتر است؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین به دست آمده و میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به توضیحاتی که در مورد میانگین نظری ارائه شد از آنجا که میانگین به دست آمده، بزرگ‌تر از میانگین نظری است، عامل فردی مانع تلقی نمی‌شود. در نتیجه پاسخ سوال اول پژوهش منفی بوده و موانع فردی در ترجیح تدریس بر پژوهش تأثیری ندارند.

سوال دوم پژوهش: آیا موانع درون سازمانی بر ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟

جدول ۹. خلاصه تحلیل آماری سوال پژوهشی دوم

t	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	میانگین	انحراف استاندارد
۷۸۷۱	۱۱۲	۰.۰۰۰	۳۰.۸۶۷۳	۵.۲۲۲۷۳

موانع درون سازمانی

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۹، چون محاسبه شده (۷۸۷۱) در سطح معنی داری ۹۵ درصد با توجه به درجه آزادی ۱۱۲ از بحرانی جدول (۱.۹۶) بزرگتر است؛ بنابراین نتیجه گرفته می شود که بین میانگین به دست آمده و میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به توضیحاتی که در مورد میانگین نظری ارائه شد از آنجا که میانگین به دست آمده بزرگتر از میانگین نظری است، عامل درون سازمانی مانع تلقی می شود. در نتیجه پاسخ دومین سوال پژوهش مثبت بوده و موانع درون سازمانی در ترجیح تدریس بر پژوهش تأثیر دارند.

سوال سوم پژوهش: آیا موانع برون سازمانی بر ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری تأثیر دارند؟

جدول ۱۰. خلاصه تحلیل آماری سوال پژوهشی سوم

t	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	میانگین	انحراف استاندارد
۱۵.۳۶۴	۱۱۲	۰.۰۰۰	۱۸.۳۷۱۷	۳.۸۹۴۱۲

موانع برون سازمانی

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۱۰، چون محاسبه شده (۱۵.۳۶۴) در سطح معنی داری ۹۵ درصد با توجه به درجه آزادی ۱۱۲ از بحرانی جدول (۱.۹۶) بزرگتر است؛ بنابراین نتیجه گرفته می شود که بین میانگین به دست آمده و میانگین مورد انتظار تفاوت معنادار وجود دارد و با توجه به توضیحاتی که در مورد میانگین نظری ارائه شد از آنجا که میانگین به دست آمده کوچک تر از میانگین نظری است، عامل برون سازمانی مانع تلقی می شود. در نتیجه پاسخ سومین سوال پژوهش مثبت بوده و موانع برون سازمانی در ترجیح تدریس بر پژوهش تأثیر دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که موانع برون سازمانی و موانع درون سازمانی در ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری مؤثرند که در این بین نقش عوامل درون سازمانی از نظر اعضای هیأت علمی این دانشگاه بیشتر از موانع برون سازمانی است. از نظر اعضای هیأت علمی این واحد دانشگاهی، موانع فردی در ترجیح تدریس بر پژوهش تأثیری ندارند. در این میان، عدم اعطای فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور، فقدان فرهنگ پژوهشی در جامعه، فقدان نگرش پژوهشی در جامعه و آموزش محور بودن سیستم آموزش عالی کشور به عنوان مهم‌ترین موانع پژوهشی مؤثر در ترجیح تدریس بر پژوهش از نگاه اعضای هیأت علمی واحد مزبور برشمرده شدند.

توضیح ضروری این است که پژوهشگران در هر پژوهشی، بر اساس فرضیات و مطالعات خود به طبقه‌بندی موانع پژوهش پرداخته‌اند و هر پژوهش، موانع را متفاوت از سایر پژوهش‌ها طبقه‌بندی نموده است. لذا جهت بحث و تفسیر نتایج این پژوهش می‌بایست بین تک تک گویه‌های بررسی‌کننده موانع پژوهش، با نتایج به دست آمده از پیشینه قابل دسترس و بررسی شده مرتبط با این پژوهش - که در قالب سه گروه اصلی موانع مطرح شدند- ارتباط برقرار نمود.

در رابطه با موانع مطرح شده در سؤال اول؛ اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که اساتید این واحد، توانایی تشخیص عرصه‌های قابل پژوهش را دارا می‌باشند که با نتایج پژوهش علمداری و افشون (۱۳۸۲) و بورگ (۲۰۰۶) متفاوت می‌باشد. شاید بتوان علت تفاوت در نتایج را در تفاوت نگاه افراد دو جامعه مورد بررسی به توانایی شان نسبت داد. اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری بادی مثبت، به توانایی خود در تشخیص زمینه‌های قابل پژوهش اشاره داشته‌اند. بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که اساتید این واحد آموزشی، توانایی تدوین پروپوزال مناسب برای طرح‌های پژوهشی را دارا هستند و این امر مانعی برای انجام پژوهش محسوب نمی‌گردد که این یافته با نتایج مطالعه ظهور و فکری (۱۳۸۲) همخوانی دارد. نتایج پژوهش در ارتباط با توانایی تدوین پرسش نامه محقق ساخته، نشانگر این موضوع بود که شرکت کنندگان در این پژوهش اعتقاد داشتند اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری توانایی لازم را دارا هستند. در مطالعه ادبیات پژوهش موردی که

به بررسی این موضوع پرداخته باشد، دیده نشد. اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که توانایی اجرای اصولی ابزار پژوهش را دارا هستند و این مسأله به عنوان مانعی برای انجام پژوهش مطرح نیست؛ این در حالی است که در پژوهش ظهور و فکری (۱۳۸۲) کمتر از یک سوم اعضای هیأت علمی مورد مطالعه اعلام کرده بودند که توانایی لازم را دارا هستند. یکی از دلایلی که می‌توان در توضیح این تفاوت ذکر کرد این است که اساتید شرکت کننده در پژوهش ظهور و فکری فقط شامل اساتید هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوده اند ولی در پژوهش حاضر اساتید رشته‌های فنی و مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه نیز نظرات خود را اعلام داشته اند و جامعه این پژوهش متنوع تر و گسترده تر از جامعه پژوهش ظهور و فکری بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، اعضای هیأت علمی واحد ساری مدعی بودند که توانایی نوشتن مقاله مناسب و منطبق با اصول نگارش مقاله را دارا می‌باشند که با یافته‌های پژوهش ظهور و فکری (۱۳۸۲) همخوانی دارد اما با نتایج پژوهش عنبری و همکاران (۱۳۸۴) در تضاد می‌باشد. در پژوهش عنبری و همکاران، تنها اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی حاضر بودند در حالی که جامعه پژوهش حاضر گسترده‌تر بوده و می‌توان تا حدودی این امر را دلیل تفاوت در یافته‌ها دانست. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری حق الزحمه فعالیت‌های پژوهشی کافی می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش کریمی و همکاران (۱۳۸۹)، فرمانبر و عسگری (۱۳۸۴)، عنبری و همکاران (۱۳۸۴)، علمداری و افشون (۱۳۸۲)، ظهور و فکری (۱۳۸۲) و نتایج پژوهش هاینس (۱۹۹۸) و هاسنین (۱۹۹۸) همخوانی ندارد. شاید بتوان دلیل این امر را در تفاوت نگرش اعضای هیأت علمی این دانشگاه‌ها به مسائل مالی پژوهش و اولویت‌های متفاوت اساتید این دانشگاه‌ها برای انجام پژوهش جستجو نمود. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که سهل الوصول تر بودن درآمد تدریس در مقایسه با پژوهش سبب ترجیح تدریس بر پژوهش شده است، که این مسأله با یافته‌های پژوهش صمدزاده (۱۳۷۹) همخوانی دارد. همچنین پژوهش حاضر نشان داد که اعضای هیأت علمی واحد مورد بررسی، فعالیت تدریس را ساده تر از پژوهش می‌دانند که با یافته‌های پژوهش صمدزاده (۱۳۷۹) همخوانی دارد. در پژوهش حاضر ساده بودن فعالیت تدریس در زمره موانع حاصل از نگاه اساتید به تدریس و پژوهش در نظر گرفته شده بود. تلقی اساتید از ساده بودن تدریس می‌تواند ناشی از نگاه آنها به تدریس و پژوهش باشد؛

همچنین می‌توان چنین در نظر گرفت که با توجه به موانعی که در راه انجام پژوهش وجود دارد، اساتید تدریس را فعالیت ساده تری در نظر گرفته و آن را نسبت به پژوهش در اولویت قرار دهند. نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری معتقدند که وظیفه اصلی اعضای هیأت علمی در ابتدا پژوهش و سپس، تدریس است. این یافته با نتایج پژوهش دادخواه و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد و در مقابل نتایج این پژوهش با نظرات آزمودنی‌های پژوهش بورگ (۲۰۰۶) در تضاد می‌باشد. این تضاد را می‌توان در تفاوت دیدگاه آزمودنی‌های دو جامعه مورد بررسی به تدریس و پژوهش قلمداد نمود.

در ارتباط با موانع مطرح شده در سؤال دوم؛ بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که سیستم مشاوره مناسبی که بتواند در مراحل مختلف انجام یک فعالیت پژوهشی، مشاوره لازم را به آنها ارائه دهد وجود ندارد و این امر از موانع پژوهش محسوب می‌گردد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های سرشتی و همکارانش (۱۳۸۹)، دارابی و همکارانش (۱۳۸۸)، سهرابی و فرج الهی (۱۳۸۸)، علمداری و افشون (۱۳۸۲) و ظهور و فکری (۱۳۸۲) منطبق است. نتایج این پژوهش نشان داد که اعضای هیأت علمی از وضعیت اینترنت در دانشگاه راضی بوده و آن را به عنوان مانع پژوهشی قلمداد نکردند که این یافته با نتایج پژوهش علمداری و افشون (۱۳۸۲) و ظهور و فکری (۱۳۸۲) همخوانی ندارد. می‌توان دلیل این امر را به زمان انجام پژوهش‌های فوق نسبت داد و اینکه با گذر زمان امکان دسترسی به اینترنت در کلیه دانشگاه‌ها بهبود یافته، هر چند که ممکن است هنوز در بعضی از دانشگاه‌ها این مشکل به نوعی وجود داشته باشد. بر اساس نتایج این پژوهش، اساتید واحد ساری معتقد بودند که دسترسی به کتب و مجلات روزآمد، مناسب نیست. این یافته با نتایج پژوهش‌های کریمی و همکاران (۱۳۸۹)، سهرابی و فرج الهی (۱۳۸۸)، دارابی و همکاران (۱۳۸۸)، فرمانبر و عسگری (۱۳۸۴)، ظهور و فکری (۱۳۸۲) و علمداری و افشون (۱۳۸۲) هم راستا می‌باشد. نبود بانک‌های اطلاعاتی مناسب در زمینه‌های مختلف علمی از دیگر موانعی است که شرکت کنندگان در این پژوهش آن را تأیید کردند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش دارابی و همکارانش (۱۳۸۸) همخوانی دارد. تصدیقی و تصدیقی (۱۳۸۵) در پژوهش خود پیشنهاد نمودند تا از اعطای فرصت‌های مطالعاتی به عنوان یک راهکار نوآورانه در ایجاد انگیزه پژوهش در اساتید استفاده گردد. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد

اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری از عدم ارائه فرصت مطالعاتی به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع خود در امر پژوهش یاد نموده‌اند. یافته‌های پژوهش شریف زاده و همکاران (۱۳۸۶) نیز بر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین کارکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی و فرصت‌های مطالعاتی گذرانده شده دلالت داشت. اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که تسهیلات مناسب جهت شرکت در همایش‌های خارج از کشور اعطا نمی‌گردد که با نتایج پژوهش فرمانبر و عسگری (۱۳۸۴)، ظهور و فکری (۱۳۸۲) مطابقت دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از نظر اعضای هیأت علمی هزینه‌های انجام شده در یک پژوهش به موقع و کامل پرداخت نمی‌گردد که با یافته‌های پژوهش دارابی و همکارانش (۱۳۸۸) مطابقت دارد. اعضای هیأت علمی شرکت‌کننده در این پژوهش، معتقد بودند که پروسه بررسی طرح‌های پژوهشی ضابطه‌مند نیست که این نتیجه، مشابه نتایج پژوهش سرشتی و همکاران (۱۳۸۹) و ظهور و فکری (۱۳۸۲) است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، اعضای هیأت علمی واحد ساری معتقد بودند که پروسه بررسی طرح‌های پژوهشی طولانی می‌باشد که با نتایج پژوهش فرمانبر و عسگری (۱۳۸۴)، عنبری و همکاران (۱۳۸۴) و ظهور و فکری (۱۳۸۲) و همچنین پژوهش وندینگ (۲۰۱۰) و هاسنسن (۱۹۸۸) منطبق است.

در ارتباط با موانع مطرح شده در سؤال سوم؛ بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، به عقیده اعضای هیأت علمی، یکی از دلایلی که سبب ترجیح تدریس بر پژوهش توسط اساتید این دانشگاه می‌گردد، عدم استفاده از نتایج پژوهش‌های باشد. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های سرشتی و همکاران (۱۳۸۹)، دادخواه و همکاران (۱۳۸۷)، تصدیقی و تصدیقی (۱۳۸۵)، فرمانبر و عسگری (۱۳۸۴)، عنبری و همکاران (۱۳۸۴)، علمداری و افشون (۱۳۸۲) و ظهور و فکری (۱۳۸۲) همخوانی دارد. عدم استفاده از نتایج پژوهش‌ها نه تنها سبب اتلاف هزینه‌ها که سبب دلسردی پژوهشگران نیز خواهد شد. مانع دیگری که اساتید واحد ساری معتقد بودند با آن درگیر هستند، عدم همکاری مراکز اطلاعاتی و سازمان‌های ذیربط می‌باشد. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش کریمی و همکاران (۱۳۸۹) و علمداری و افشون (۱۳۸۲) هم‌راستا می‌باشد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، اعضای هیأت علمی واحد مورد بررسی معتقد بودند که سازمان‌ها در ارتباط با عناوین پژوهشی مورد نیازشان اطلاع‌رسانی مطلوبی ندارند و این اطلاع‌رسانی نامطلوب را به عنوان یک

مانع در راه انجام پژوهش برشمردند. این یافته با نتایج پژوهش ظهور و فکری، (۱۳۸۲) همخوانی دارد. فقدان سیستم اطلاع رسانی باعث شده تا تحقیقات بیشماری، تکرار شود. در این پژوهش اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری اعتقاد داشتند که عدم حمایت بخش خصوصی یکی از موانع انجام پژوهش می‌باشد. در مطالعه ادبیات پژوهش موردی که به بررسی این عامل پرداخته باشد یافت نشد. بخش خصوصی می‌تواند با گسترش واحدهای تحقیق و توسعه^۱ و ایجاد پیوند بین صنعت و دانشگاه از طریق حمایت از پژوهش‌های دانشگاهی و سفارش پروژه‌های پژوهشی، توان رقابتی خود را در زمینه‌های مدیریت و تولید، بالا برده و با افزایش کیفیت کالا و خدمات و کاهش هزینه‌های تولید در دنیای رقابتی امروز به جذب مشتریان بیشتر بپردازد. پژوهش حاضر نشان داد که آموزش محور بودن نظام آموزش عالی یکی از موانع امر پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی می‌باشد که این نتیجه با یافته‌های پژوهش دارایی و همکارانش در سال ۱۳۸۸ مشابهت دارد. اساتید شرکت کننده در آن پژوهش نیز این عامل را یکی از موانع پژوهش ذکر نموده بودند. آموزش محور بودن نظام آموزش عالی از سویی سبب می‌شود تا اساتید تربیت شده در این نظام، نگرش پژوهشی نداشته باشند و از طرف دیگر، مهارت‌های پژوهشی را به دست نیاورند و صرفاً در حد تئوری‌های پژوهش باقی بمانند و از آنجا که نداشتن مهارت در امر پژوهش سبب خسته کننده شدن آن می‌شود، تدریس را بر پژوهش ترجیح دهند. همچنین در سیستم‌های آموزش محور به علت حمایت‌های اندک مادی و معنوی از پژوهش، انگیزه ای برای انجام پژوهش وجود نخواهد داشت. در ارتباط با فقدان فرهنگ پژوهش در جامعه، یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش تصدیقی و تصدیقی همخوانی دارد. تصدیقی نیز فقدان فرهنگ پژوهشی را یکی از موانع کلیدی و مهم پژوهش در جامعه قلمداد می‌کند و معتقد است که ما عادت به پژوهش نداریم (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). همچنین در این زمینه، اکثر اعضای هیأت علمی شرکت کننده در پژوهش دادخواه و همکارانش (۱۳۸۷) معتقد بودند که برای توسعه ملی، همگانی کردن فرهنگ پژوهش ضروری می‌باشد؛ همچنین نتایج پژوهش در این زمینه با نتایج پژوهش وندینگ (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در ارتباط با نبود نگرش پژوهشی در جامعه، نمونه مشابهی در مطالعه پیشینه پژوهش مشاهده نشد. نگرش نظری است که درباره افراد، چیزها یا

^۱ R&D

رویدادها ابراز می‌گردد و به عبارتی منعکس کننده نوع احساس فرد نسبت به یک چیز می‌باشد (احمدی، ۸۹، ص ۸۲)؛ همان گونه که از تعریف بر می‌آید نگرش یک مسأله شخصی و قابل بررسی بوده و از نظر ماهیتی مسأله ای مجزا از فرهنگ می‌باشد و تا زمانی که نظر و احساس مثبتی نسبت به لزوم انجام پژوهش در بین افراد جامعه به خصوص در بین اساتید وجود نداشته باشد نمی‌توان انتظار چندانی برای تولید علم داشت. مانع برون سازمانی دیگری که اساتید هیأت علمی واحد ساری بر آن تأکید کرده بودند، کمبود سرانه پژوهش است که با نتایج پژوهش دادخواه و همکارانش (۱۳۸۷) مطابقت دارد.

منابع

- احمدی، مسعود (۱۳۸۹). **مدیریت رفتار سازمانی**، ساری: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
- تصدیقی، فروغ و تصدیقی، محمدعلی (۱۳۸۵). **پژوهش در نظام آموزش عالی، چالش‌ها و راهکارها**، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حاجی ترخانی، امیرحسین (۱۳۷۶). بررسی سازمان و تشکیلات پژوهشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، **فصلنامه رهیافت**، شماره ۱۷.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۶). مقدمه ای بر روش پژوهش با رویکرد کاربردی به رساله نویسی در علوم انسانی، **فصلنامه روش شناسی علوم انسانی** (حوزه و دانشگاه)، شماره ۵۰.
- دادخواه، بهروز و محمدی، محمدعلی و پورناصری، شهناز و مظفری، ناصر و ادهم، داوود (۱۳۸۷). دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های استان در مورد تحقیق و موانع تحقیق در این دانشگاه‌ها، در سال ۱۳۸۲، **مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل**، دوره ۱، شماره ۸.
- دارابی، شمس و کوهپایی، علیرضا و یوسفی، محمدحسین و کیمی، موحد، طاهره و احمدی طهران، هدی و رحمانی، معصومه (۱۳۸۸). بررسی شدت مشکلات پژوهشی قبل و بعد از مداخلات اداری و مدیریتی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و محققین دانشگاه علوم پزشکی قم، سال ۱۳۸۳_۱۳۸۷، **مجله دانشگاه علوم پزشکی قم**، دوره ۳، شماره ۳.
- سرشتی، منیژه و کاظمیان، افسانه و دریس، فاطمه (۱۳۸۹). موانع انجام تحقیقات از دیدگاه اساتید و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، **مجله راهبردهای آموزش**، دوره ۲، شماره ۳.
- سهرابی، زهره و فرج الهی، معصومه (۱۳۸۸). بررسی مشکلات موجود در انجام پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی ایران، **مجله سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۲۷، شماره ۲، ص ۱۷۵-۱۷۸.

شریف زاده، ابوالقاسم و کلانتری، خلیل و حسینی، محمود و اسدی، علی و عبدا... زاده، غلامحسین (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر کارکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی،

مجله کشاورزی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۴۷-۶۲.

شعبانی ورکی، بختیار و حسین قلی زاده، رضوان، (۱۳۸۵). بررسی کیفیت تدریس در دانشگاه، **فصلنامه**

پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۹، ص ۲۲-۱.

صمد زاده، حبیب (۱۳۷۹). **بررسی عوامل مؤثر در تقدم آموزش بر پژوهش در دانشگاه‌ها**، از

نظر اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در

سال تحصیلی ۷۹-۸۰، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

ظهور، علیرضا و اسلامی نژاد، طاهره (۱۳۸۱). شاخص‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه

علوم پزشکی کرمان، **فصلنامه پایش**، شماره ۴، ص ۱۳-۵.

علایی، مرضیه و اعظمی، عظیم (۱۳۸۳). بررسی نگرش دانشجویان نسبت به امر تحقق در دانشگاه علوم

پزشکی ایلام ۱۳۸۰، **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام**، شماره ۴۲ و ۴۳، ص ۴۴-۳۹.

علمداری، علی کرم و افشون، اسفندیار (۱۳۸۲). موانع موجود در انجام فعالیت‌های پژوهشی از دیدگاه اعضا

هیأت علمی دانشگاه‌های شهر یاسوج، **فصلنامه علمی پژوهشی ارمنان دانش**، شماره ۲۹،

ص ۳۵-۲۹.

علی بیگی، امیرحسین (۱۳۸۶). تحلیل بهره وری پژوهشی اعضای هیأت علمی: مطالعه موردی دانشگاه

رازی، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی**، شماره ۴۶، ص ۱۵۵-۱۲۵.

عنبری، زهره و جمشیدی فرد، علیرضا و ستاره، محمد (۱۳۸۴). دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم

پزشکی اراک پیرامون مشکلات موجود در انجام فعالیت‌های پژوهشی، **مجله ایرانی آموزش در**

علوم پزشکی، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۹۸-۱۹۶.

فراهانی، حجت ا... و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۴). **روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی** (رویکرد

کاربردی)، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

فرمانبر، ربیع ا... و عسگری، فریبا (۱۳۸۴). بررسی عوامل بازدارنده انجام تحقیق از دیدگاه اعضای هیأت

علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، **مجله علوم پزشکی گیلان**، شماره ۵۴، ص ۹۱-۸۴.

کریمی، افسانه و مهدی پور، یوسف و محمدپور، علی و پیروزان فر، سمیرا (۱۳۸۹). موانع انجام تحقیق از

دید اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، **مدیریت اطلاعات سلامت**، دوره ۷،

شماره ۴، ص ۴۷۴-۴۶۷.

معروفی، یحیی و کیامنش، علیرضا و مهرمحمدی، محمود و علی عسکری، مجید (۱۳۸۶). ارزشیابی کیفیت تدریس و آموزش عالی: بررسی برخی دیدگاه‌ها، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی**، شماره ۵، ص ۸۱_۱۱۲

مقیمی، محمد (۱۳۸۵). **سازمان و مدیریت، رویکرد پژوهشی**. تهران: ترمه.

نجفی پور، حمید و درویش مقدم، صدیف و آزمندیان، جلال و حسینی، حامد (۱۳۸۸). تأثیر ارائه خدمات آموزشی_پژوهشی در قالب تاسیس پایگاه توسعه تحقیقات بالینی بر عملکرد پژوهشی اعضای هیأت علمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، **مجله گام‌های توسعه آموزش پزشکی**، دوره ۲، شماره ۶، ص ۱۶۴_۱۵۷.

Borg, S. (2009). English language teachers' conceptions of research, **applied linguistics**, 3, 30, 358_388.

Borg, S. (2006). **Great idea but just no time: Teachers' views of research and its role in their professional lives**, Workshop given at IH Barcelona, Spain, March 2006, <Retrieved from www.ihes.com/bcn/tt/workshops/borg_mar06.pps>.

Brown, R. (2002). Research and teaching – repairing the damage, **Exchange**, 3, 29-31.

Gurney, M. (1989). **Implementer or innovator: a teacher's challenge to the restrictive paradigm of traditional research**, In Lomax, P. (Ed.). *The management of change* (pp.13_28). Multilingual Matters.

Hargreaves, D. (1999). Revitalizing educational research: Lessons from the past and proposals for the future, **Cambridge Journal of Education**, 29, 239-249.

Hassanein, RS. (1998). Barriers to research in allied health, **Journal of allied health**, 17, 175_187.

Haynes, B and Haines, A. (1998). Barriers and bridge to evidence based clinical practice, **British medical journal**, 317, 273_276.

Jenkins, A. (2000). The Relationship between Teaching and Research: where does geography stand and deliver?, **Journal of Geography in Higher Education**, 3, 24, 325-351.

Quinn, M.F. (2000). **The principle and practice of education**, London, Chapman and Hall.

Sajjad, Sh. (n.d). **Effective teaching methods at higher education level**, University of Karachi, Pakistan.

Shavelson, R. J. and L. Towne. (2002). **Scientific Research in Education**, Washington DC, National Academy Press.

Wendy Black, W. (2010). **Levels of Reported Research Engagement**, <Retrieved from BaseArticle.com>.